

## بررسی و مطالعه تطبیقی مدل های مختلف سنجش کیفیت زندگی به منظور دستیابی به اصول طراحی پایدار در بافت های مسکونی

سیماعابدی<sup>۱\*</sup>، مهرداد کریمی مشاور<sup>۲</sup>

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد معماری دانشگاه آزاد اسلامی همدان

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری دانشکده هنر و معماری دانشگاه بوعلی سینا همدان

si.ab.arch.1987@gmail.com

### چکیده

رشد، توسعه و دگرگونی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی شهرهای ایران، منجر به عدم تطبیق بافتهای مسکونی با الگوهای جدید شهرنشینی و در نتیجه افت و نزول کیفیت زندگی در این مراکز شد، حال آنکه بافتهای مسکونی به عنوان مکانی هدفمند برای زندگی، باید پاسخگوی تمامی نیازهای انسان باشد، لذا، نیاز به بررسی کیفیت زندگی در بافتهای مسکونی به منظور شناسایی مؤلفه های پایداری و تلاش در جهت ارتقای کیفی آنها، کاملاً مشهود است. بر این اساس، هدف از پژوهش فوق مطالعه مدل‌های مختلف سنجش کیفیت زندگی و شناسایی مؤلفه های ارتقادهنده آن، به منظور طراحی بافتهای مسکونی پایدار است. در این پژوهش پس از مرور مفاهیم و نظریات مرتبط با متغیرهای تحقیق، در چارچوب شاخصهای کیفیت زندگی، مبنایی کلی از اصول طراحی پایدار در بافتهای مسکونی ارائه گردیده و در انتها پیشنهاداتی بیان می شود.

**واژه های کلیدی:** کیفیت زندگی، شاخص های کیفیت زندگی، توسعه پایدار، پایداری اجتماعی

### ۱- مقدمه

بررسی و مطالعه فرآیند رشد و توسعه شهرهای کنونی، نمایانگر شکل گیری شرایط کیفی نابسامان و در پاره‌ای موارد بحرانی در بافت‌های سکونی به عنوان یکی از مهمترین آثار و پیامدهای سیاست های توسعه نادرست مناطق و بافت های مسکونی است (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). بافت های مسکونی که بخش قابل توجهی از پهنه بسیاری از شهرها را تشکیل می دهند، امروزه به لحاظ کیفیت زندگی، با انواع مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیرساختی و زیست محیطی مواجه‌اند (راد جهانبانی، پرتوی، ۱۳۹۰: ۲۶) و ابعاد و کیفیات اجتماعی و فرهنگی در آن ها تنزل نموده است (عباس زادگان و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، از بین رفتن مؤلفه های کیفی در این نواحی، منجر به زدوده شدن خاطرات جمعی و افول حیات اجتماعی در آن ها خواهد شد (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۹). در این شرایط بهترین رویکرد برای ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی ساکنان یک بافت و محله، رویکرد توسعه پایدار و مقوله پایداری است که به مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست محیطی توجه همزمان دارد (دهقان زاد، ۱۳۹۲). در واقع پایداری، حفظ و ارتقاء کیفیت زندگی برای همه مردم است. بعد اجتماعی توسعه پایدار<sup>□</sup> یکی از حائز اهمیت ترین ابعاد آن به حساب می آید. پایداری اجتماعی با مجموعه ای از مفاهیم از جمله کیفیت زندگی<sup>□□</sup>، سرزندگی، سلامت، عدالت اجتماعی، توانایی خوب زیستن و... در ارتباط می باشد (کج کوب، ۱۳۹۰). توجه به مفهوم پایداری در چارچوب مفاهیم ارتقاء کیفی سطح زندگی ساکنان می تواند در راستای بهبود وضعیت موجود این نواحی یاری رسان باشد.

تاکنون مطالعات جامعی در زمینه شناخت شاخص های کیفیت زندگی به منظور استخراج و تدوین اصول طراحی پایدار در بافتهای مسکونی صورت نگرفته است؛ و عدم توجه به این امر می تواند موجب نزول تدریجی کیفیت زندگی در این مراکز شود. تداوم این معضل در نهایت به افول

تعالی انسان، که از مهمترین الزامات پایداری برای نسلهای کنونی و آتی است، می انجامد (رادجهانبانی، پرتوی، ۱۳۹۰: ۲۶). از این رو هدف تحقیق حاضر، تدوین اصول و معیارهای طراحی پایدار در بافتهای مسکونی در چارچوب شاخصهای ارتقاء کیفیت زندگی به منظور دست یابی به فضاهایی پویا و زنده است.

## ۲- کیفیت زندگی

### ۲-۱- کیفیت

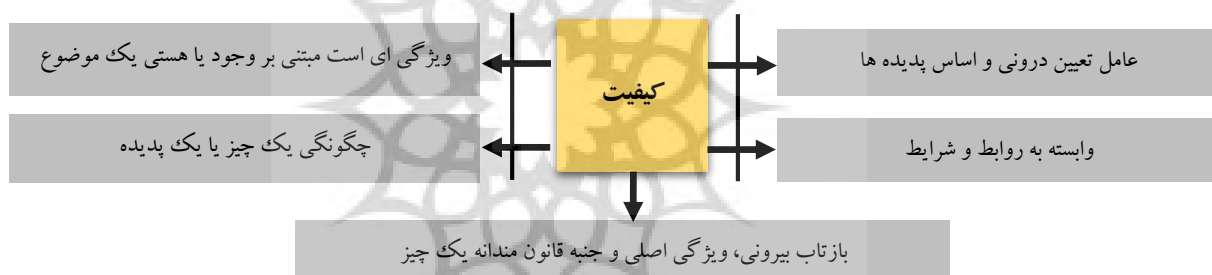
واژه کیفیت مفهومی است که در تمامی دانش ها و زمینه های مرتبط با زندگی انسان به کار رفته و مورد استفاده قرار گرفته شده است. کیفیت در حالت عادی و به معنای کاملاً واضح برای وصف درجه کمال اشیاء و پدیده ها به کار برده می شود (گلکار، ۱۳۷۹: ۳۸). منظور از کیفیت از طرفی خاصیت ها و ویژگی های اصلی یک چیز است، از طرف دیگر کیفیت، کلیت و سیستمی از جزء کیفیت هایی است که یک چیز را به وجود آورده اند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۸). فرهنگ انگلیسی آکسفورد<sup>□□□</sup> نیز در ذیل واژه کیفیت چهار معنا به ترتیب زیر ارائه می نماید:

۱- درجه خوبی و ارزش چیزها،

۲- خوبی و کمال به مفهوم عام،

۳- صفات و خصوصیات، و

۴- جنبه ویژه و علایم ممیزه (Oxford A.D., 2006: 1233). اما در واقع کیفیت، چگونگی یک پدیده است که تاثیر عاطفی و عقلانی خاصی بر انسان می گذارد و خاصیت ها و ویژگی های اصلی یک چیز را بیان می کند (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۷۸).



شکل (۱) کلید واژه های معرف کیفیت، (پورجعفر و همکاران، ۱۳۸۸)

### ۲-۲- تعاریف کیفیت زندگی

کیفیت زندگی از واژه هایی است که تعریف مشخص و یکسانی ندارد، اگرچه مردم به شکل غریزی معنای آن را به راحتی درک می کنند، اما این مفهوم برای آن ها یکسان نیست (نجات، ۱۳۸۷). کیفیت زندگی مفهومی محتوایی، فراگیر، پیچیده و متأثر از عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و فضایی بوده و دارای دو بعد عینی و ذهنی است (فتحعلیان، پرتوی، ۱۳۹۰: ۹۱). محققان با تئوریهای رویکردهای مختلف به جنبه های گوناگون کیفیت زندگی پرداخته اند (Uzzell, 2004; VanKamp & others, 2003). برخی از صاحب نظران واژه کیفیت زندگی را در رشته ای پیوسته از مفاهیم قرار می دهند (Ulengin, 2001)، برخی دیگر کیفیت زندگی را به عنوان میزان توانایی محیط برای تامین منابع ضروری جهت تامین نیازهای روزمره زندگی انسان تفسیر می کنند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۷-۱۱۰). به رغم تنوع و گوناگونی مفاهیم و تعاریف برای کیفیت زندگی، هنوز در مورد کیفیت زندگی و جنبه های تشکیل دهنده آن اتفاق نظر وجود ندارد، اما نکته ای که همه محققان در آن اتفاق نظر داشته اند، چند بعدی بودن مفهوم کیفیت زندگی بوده است به طوری که هر محقق با دیدگاه خود لایه های تشکیل دهنده کیفیت زندگی را برشمرده و با تعریف لایه ها سعی در تعریف کیفیت زندگی دارد. در جدول (۱)، گوناگونی تعاریف کیفیت زندگی را نشان داده و بر ابعاد ذهنی و عینی آن تأکید شده است (فتحعلیان، پرتوی، ۱۳۹۰: ۹۲).

جدول (۱) ماتریس تطبیقی برخی از تعاریف کیفیت زندگی، (نگارنده)

تحقیق	تعریف
سزالی (۱۹۸۰)	کیفیت زندگی حالت وجودی فرد در بهزیستی و رضایتمندی از زندگی است که از یک طرف با حقایق بیرونی یا عوامل عینی از زندگی و از طرف دیگر با ادراک درونی یا ارزیابی که خود فرد از عوامل و حقایق زندگی تعیین می شود.
Schlemmer and Moller (1983)	کیفیت زندگی، میزان رفاه افراد و گروه ها تحت شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی است.
کاتر (۱۹۸۵)	کیفیت زندگی بر اساس میزان شادی فردی و رضایت از زندگی تعیین می شود
جفر و دابز (۱۹۹۵)	کیفیت زندگی از دو مفهوم جهانی با قلمروهای اساسی مشخص تشکیل شده است: مفهوم اول درک کیفیت زندگی است که نتیجه آن رضایتمندی از زندگی است و مفهوم دوم کیفیت زندگی در محیط اجتماعی و کیفیت محیطی است.
رافائل (۱۹۹۶)	درجه ای که افراد از امکانات مهم زندگیشان لذت می برند.
Bowling (1997)	کیفیت زندگی را دارا بودن منابع ضروری برای تامین نیازها، خواسته ها و امیال، شرکت در فعالیت ها، توانمندی، توسعه فردی، خودباوری و مقایسه رضایتمندی بین خود و دیگران تعریف کرده است.
Collados and Duane (1999)	کیفیت زندگی مفهومی اجتماعی است و خود معنایی واقعی ندارد بلکه صرفاً افراد به آن معنا می بخشند
RIVM (2000)	کیفیت زندگی عنصری واقعی که شامل تجهیزات معنوی زندگی میشود و با سلامتی، محیط زندگی، خانواده و... تعیین می شود.
Foo (2000)	کیفیت زندگی را رضایت کلی فرد از زندگی می داند.
پسیون (۲۰۰۳)	کیفیت زندگی را درجه ای از تجانس یا ناهماهنگی بین ساکنان شهر و محیط شهری احاطه کننده مجاور، تفسیر می کند.
یوزل (۲۰۰۴)	کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی و متأثر از زمان و ارزشهای فردی و اجتماعی است که دو بعد عینی و درونی دارد.
Pal and kumar (2004)	کیفیت زندگی به عنوان معیاری برای سنجش میزان برآورده شدن نیازهای روحی- روانی و مادی جامعه تعریف گردیده است
Costanza (2007)	کیفیت زندگی را به عنوان میزان تأمین نیازهای انسانی در ارتباط با ادراکات افراد و گروه ها از بهزیستی ذهنی تعریف می کند.
فسلی (۲۰۰۷)	کیفیت زندگی به معنای بهزیستی عموم مردم و کیفیت محیطی است که در آن زندگی می کنند.
داس (۲۰۰۸)	کیفیت زندگی را به عنوان بهزیستی و یا عدم بهزیستی مردم و محیط زندگی آن ها تعریف می کند.
سیف الدینی (۱۳۸۱)	کیفیت زندگی در برگیرنده ابعادی روانی همچون رضایت، شادمانی و امنیت و ابعادی محیطی همچون مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی است.

با توجه به تعاریف متعدد از کیفیت زندگی و همچنین اذعان به عدم وجود اجماع نظر در مورد تعریف آن، می توان گفت کیفیت زندگی واژه ای بسیار تفسیر پذیر و ابهام آور است و بنا به حوزه کاربرد و نوع مطالعه فرق می کند. اگر چه تعریف کیفیت زندگی در کشورهای مختلف و حتی در نواحی یک کشور، نیز متفاوت است ولی جوهر مشترک آن معطوف به تامین نیازهای اساسی مادی و معنوی در دو وجه ذهنی و عینی بطور توأمان است. بنابراین شاید بتوان تعریف زیر از کیفیت زندگی را مبنای مطالعه و استنتاج قرار داد، منظور از کیفیت زندگی توجه به شاخص های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، محیطی، روانی و غیره در دو وجه عینی (کمی)، ذهنی (کیفی) در روند برنامه ریزی، طراحی و معماری است (کوکبی، ۱۳۸۶: ۸۶-۷۵).

## ۲-۳- اهمیت و ضرورت مطالعه کیفیت زندگی

مرور ادبیات مربوط به کیفیت زندگی نشان می دهد که توافق عمومی در میان محققان، برنامه ریزان و طراحان در خصوص نیاز به مطالعه کیفیت زندگی در نواحی سکونت وجود دارد. نتایج مطالعات کیفیت زندگی می تواند به ارزیابی سیاست ها، رتبه بندی مکان ها، تدوین استراتژی های مدیریت و برنامه ریزی و طراحی کمک کرده و درک و اولویت بندی مسایل اجتماع برای برنامه ریزان و معماران به منظور ارتقای کیفیت زندگی ساکنان را تسهیل سازد. علاوه بر این، مطالعات کیفیت زندگی میتواند به شناسایی نواحی مسأله دار، علل نارضایتی مردم، اولویتهای ساکنان در زندگی، تاثیر فاکتورهای اجتماعی- جمعیتی بر کیفیت زندگی و پایش و ارزیابی کارایی سیاست ها و استراتژی ها در زمینه کیفیت زندگی کمک کند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۸۷).

## ۲-۴- سنجش کیفیت زندگی

از دهه ۱۹۳۰، مطالعات تجربی و عملی فراوانی به منظور سنجش کیفیت زندگی در کشورهای مختلف دنیا انجام گرفته است. نتایج مطالعات حاکی از آن است که هنوز چارچوب مفهومی قابل قبول جهانی برای سنجش کیفیت زندگی و روش شناسی واحدی برای تعیین قلمروها و معرف های کیفیت زندگی وجود ندارد و انتخاب قلمروها و معرف های مربوط به آن و روش سنجش کیفیت زندگی براساس اهداف مطالعه، قضاوت های شخصی محقق، ویژگی های ناحیه مورد مطالعه و... صورت می گیرد و تفاوت های عمده در مدل های کیفیت زندگی به دلیل تفاوت در مقیاس، شاخص ها و قلمروهای زندگی است که در مطالعات گوناگون کیفیت زندگی مورد توجه قرار گرفته اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۸۷). لذا در این بخش از نوشتار، گوناگونی و تنوع در شاخص ها و مؤلفه های کیفیت زندگی در دویخش تجارب نظری و عملی مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۲-۴-۱- مدل ها و شاخص های کیفیت زندگی از دیدگاه اندیشمندان و علوم تجربی

محققان و اندیشمندان علوم اجتماعی با روش ها و (طرز برخورد های) متنوع کیفیت زندگی را مطالعه کرده اند. آنان کوشیده اند تا اجزا و عناصر کیفیت زندگی را معین نمایند و مناطق جغرافیایی مانند شهرها، ایالت ها و ملت ها را به وسیله شاخص های کیفیت زندگی که آن ها گسترش داده اند، مقایسه کنند (لطفی، ۱۳۸۸). اما تا به حال، علوم رایج موفق نشده اند رویکردی ترکیبی را که بتواند ابعاد متعدد شاخص های فیزیکی، فضایی و اجتماعی کیفیت زندگی را ارزیابی کند، طراحی کنند (Van Kamp et al, 2003). لذا در جدول (۲) به بررسی شاخص ها و عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی از دیدگاه های مختلف نظری پرداخته شده است.

جدول (۲) ماتریس تطبیقی شاخص ها و مدل های کیفیت زندگی از دیدگاه اندیشمندان و علوم تجربی، (نگارنده)

مؤلفه های کیفیت زندگی	نظریه پرداز
ابعاد فیزیکی، اجتماعی، روانشناختی، محیطی و اقتصادی	پورطاهری و همکاران (۱۳۹۰)
۱- محیط فیزیکی (کیفیت محیطی، ویژگی های فیزیکی و محل سکونت)، ۲- محیط اجتماعی (کیفیت اجتماعی، شیوه زندگی و ویژگی های فردی و کیفیت محیط محلی)	ریم (۲۰۰۰)
۱- ابعاد روانی (رضایت و شادمانی و امنیت)، ۲- ابعاد محیطی (مسکن، دسترسی به خدمات و امنیت محیطی) ۳- توجه به فرصت های اجتماعی، ۴- امیدهای اشتغال، ثروت، ۵- اوقات فراغت	سیف الدینی (۱۳۸۱)
۱- محیط طبیعی (درک بصری، کیفیت منظر، آب و هوا، آلودگی)، ۲- اطمینان (مسکن، امنیت اقتصادی فردی و سطح استاندارد زندگی)، ۳- پیشرفت اشخاص، ۴- پیشرفتهای اقتصادی (ساختار اجتماعی)، ۵- سلامت، ۶- منابع طبیعی و خدمات (کالاها، منابع طبیعی، زیرساخت های اجتماعی و خدماتی)	وان کمپ و همکاران (۲۰۰۳)
۱- فیزیکی- محیطی (کیفیت محیط پیرامون زندگی)، اجتماعی (کیفیت ارتباطات افراد با خانواده، دوستان، همکاران و اجتماع)، ۳- روانشناختی، ۴- اقتصادی (میزان رضایت از درآمد، رضایت شغلی)	عظیمی (۱۳۸۹)
۱- اجتماعی و زیبایی شناختی (امنیت اجتماعی، فضای گذران اوقات فراغت، فضاهای پیاده، فضای باز و سبز، نظم و ادراک فضایی، توالی منظر، خوانایی، نمایی)، ۲- اقتصادی، ۳- کالبدی (فضای قابل سکونت، تسهیلات عمده مسکن، مالکیت مسکن، تعداد اتاق ها، چیدمان ساختمان)، ۴- ارتباطی و حمل و نقل (وسایل ارتباطات، وسایل حمل و نقل عمومی، جریان ترافیک)	کوکبی و همکاران (۱۳۸۴)
۱- فیزیکی- اجتماعی (قابلیت زندگی)، ۲- فیزیکی- اقتصادی (پایداری)، ۳- اجتماعی- اقتصادی (دسترسی)	شافر و همکاران (۲۰۰۰)
پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری محیطی و پایداری فرهنگی-سیاسی	فرجی ملائی (۱۳۸۹)
شادی و رضایت	کینگ و همکاران (۲۰۰۳)
خصوصیات زمینه ای فرد، وضعیت فرهنگی، وضعیت اجتماعی، وضعیت محیطی	بونومی و همکاران (۲۰۰۰)

۱- مؤلفه های امنیت (امنیت در قلمرو عمومی)، ۲- مؤلفه های انسانی- اجتماعی (میزان فضاهای خصوصی و عمومی، کیفیت روابط اجتماعی، دسترسی به امکانات بافت)، ۳- مؤلفه های زیست محیطی، ۴- مؤلفه های کالبدی (استحکام ساختمان ها، ظرفیت شبکه های زیر ساختی)	رفعیان و همکاران (۱۳۸۸)
شاخص محیطی، فرهنگ شهروندی، اقتصادی، جمعیتی و اجتماعی، آموزش و تحصیلات و مهارت ها، زیرساخت ها و تأسیسات، سلامتی و بهداشت، حقوق شهروندی، تفریحات و سرگرمی و استراحت، مسکن و سرپناه و امنیت	امینی (۱۳۸۵)
۱- بعد ذهنی (احساس رفاه، رضایت از زندگی، شادی و مسرت، هدفمندی)، ۲- بعد وجودی یا هستی گرایی، ۳- بعد عینی (تعادل بیولوژیکی، پتانسیل های زندگی، رفع نیازها، هنجارهای فرهنگی و عوامل عینی)	وینگو تو (۲۰۰۳)
تسهیلات عمده مسکن، ارتباطات، هوای سالم، آموزش، امنیت و بهداشت عمومی، حمل و نقل، آرامش عمومی، فضای سکونت	آسایش (۱۳۸۰)
اجتماعی، اقتصادی، روانی، زیستی، فیزیکی	رضوانی و همکاران (۱۳۸۸)

## ۲-۴-۲- مدل ها و شاخص های کیفیت زندگی از دیدگاه تجارب عملی

بحث کیفیت زندگی و مؤلفه های سازنده آن را نه تنها از دیدگاه نظری و آراء صاحب نظران، همچنین از دیدگاه تجارب عملی و آنچه که در پروژه های طراحی به عنوان کیفیت های مطلوب مد نظر قرار گرفته، نیز می توان مورد بررسی و پیگیری قرار داد. در این قسمت از نوشتار، به منظور آشنایی با جایگاه مفهوم کیفیت زندگی و مدل های دربرگیرنده آن در تجارب عملی طراحی محیط ها و بافت های سکونتی، کیفیت هایی که عملاً در برنامه ها و پژوهش های مختلف، در داخل و خارج کشور مورد بررسی قرار گرفته اند، را بررسی کرده و نتایج این مطالعات را در قالب جدول (۳) بیان می کنیم.

جدول (۳) ماتریس تطبیقی شاخص ها و مدل های کیفیت زندگی از دیدگاه تجارب عملی، (نگارنده)

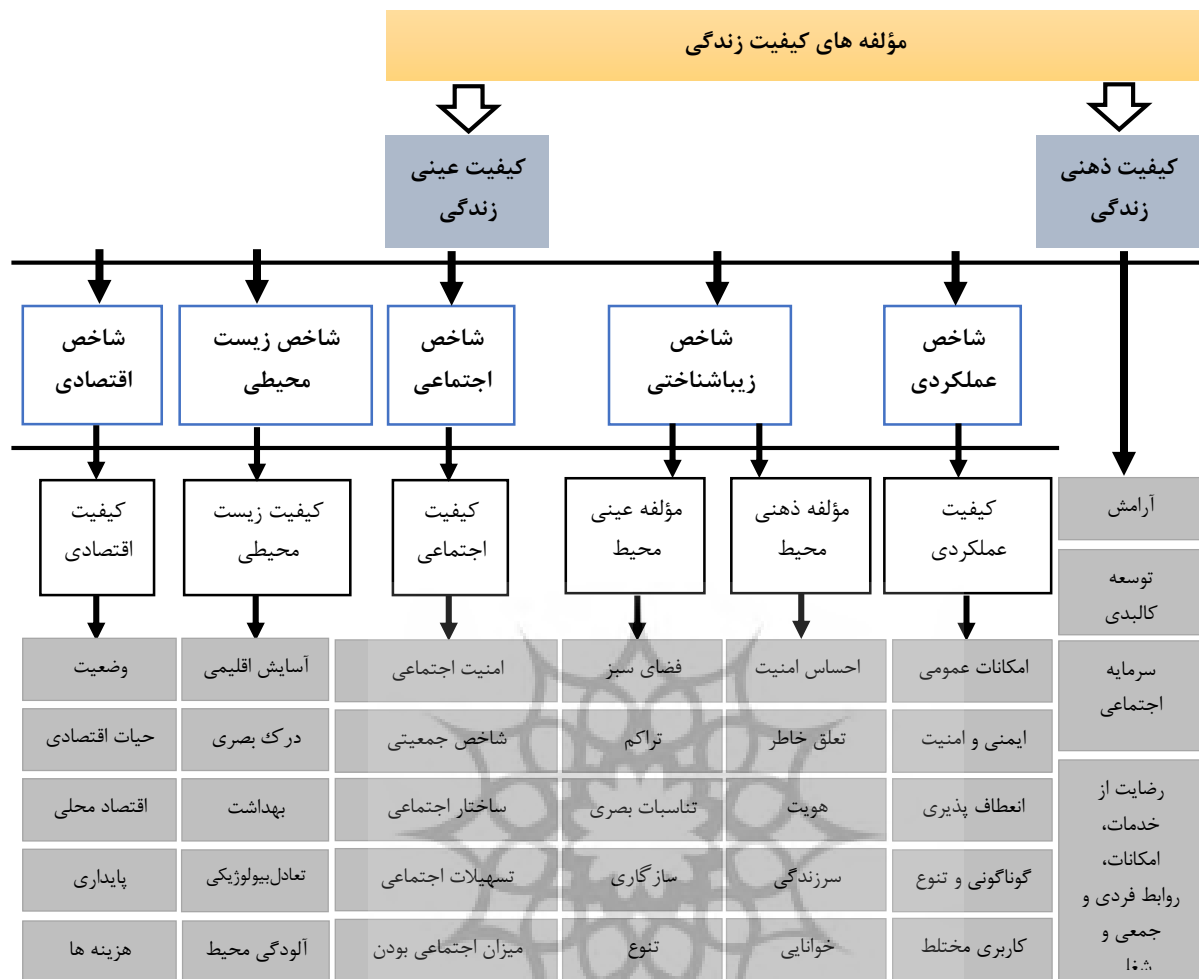
عنوان و مکان پروژه	مؤلفه های کیفیت زندگی
نورآباد، لرستان (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸)	۱- کیفیت ذهنی زندگی (آرامش، رضایت از محیط محلی، بهزیستی ذهنی، سرمایه اجتماعی، احساس تعلق به شهر، احساس امنیت، رضایت از امکانات، توسعه کالبدی)، ۲- کیفیت عینی زندگی (کیفیت مسکن، وضعیت اقتصادی، جمعیت، روابط اجتماعی، فعالیت های فرهنگی- ورزشی، دسترسی به خدمات عمومی)
بابلسر، مازندران (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰)	۱- کالبدی (درصد واحد مسکونی، مصالح، متوسط مساحت قطعات، ارتباطات، دسترسی، مسکن)، ۲- اجتماعی (مشارکت اجتماعی، امنیت، گذران اوقات فراغت)، ۳- اقتصادی (میانگین درآمد، گروه بندی شغلی، قیمت زمین)
گنبد کاووس، گلستان (غفاری و انق، ۱۳۸۵)	وضعیت فرهنگی، کیفیت مادی، کیفیت محیطی، کیفیت دسترسی به خدمات، وضعیت سلامت و تغذیه، بهزیستی روانی
استانبول، ترکیه (آلنگین و همکاران، ۲۰۰۱)	۱- محیط فیزیکی (چیدمان ساختمانها، نوع مسکن، فضای سبز، تفریحی) ۲- محیط اجتماعی (گستره خدمات آموزشی و بهداشتی) ۳- محیط اقتصادی ۴- ارتباطات حمل و نقل (وسایل ارتباطات، وسایل حمل و نقل عمومی)
پورتو، پرتغال (سار توس و مارتینز، ۲۰۰۷)	جامعه، وضعیت محیط زیست، وضعیت کالاهای اجتماعی، وضعیت اقتصادی
خاوه شمالی، لرستان (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰)	۱- بعد اجتماعی (کیفیت آموزش و سلامت و امنیت، کیفیت اوقات فراغت)، ۲- بعد کالبدی (کیفیت محیط مسکونی، کیفیت زیرساختها، شبکه حمل و نقل، دسترسی)، ۳- بعد محیطی (کیفیت محیطی)، ۴- بعد اقتصادی (کیفیت اشتغال و درآمد)

آلودگی محیط، میزان اجتماعی بودن محله، قیمت خانه، دسترسی، امنیت و ایمنی ساختمان و محله، امکانات و تسهیلات محله، امکانات و تسهیلات خانه	مجتمع مسکونی نواب، تهران (رفیعیان و همکاران، ۱۳۸۷)
حیات اقتصادی، محیط زیست، بهداشت جامعه، حمل و نقل و ایمنی	تورنتو، کانادا (پروژه شهر سالم تورنتو، ۱۹۹۳)
تراکم ذهنی، دسترسی ذهنی، هزینه مسکن عینی، تراکم مسکونی عینی، دسترسی عینی	کوئینزلند، استرالیا (مک کریا و همکاران، ۲۰۰۶)
۱- شاخص های اجتماعی ۲- شاخص کالبدی و زیرساختی، ۳- شاخص زیبایی شناختی، ۴- شاخص حمل و نقل، ۵- شاخص زیست محیطی، ۶- شاخص اقتصادی	خرم آباد، لرستان (کوکبی و همکاران، ۱۳۸۶)

#### ۲-۴-۳- مؤلفه های استخراج شده از مطالعه و سنجش مدل های مختلف کیفیت زندگی

بررسی و مطالعه مدل های مختلف سنجش کیفیت زندگی از دیدگاه صاحب نظران و اندیشمندان و تجارب عملی حوزه های مختلف، که کیفیت زندگی را از جنبه های گوناگون و به تناسب تخصص و زمینه کاری خود تبیین نموده اند، به ما کمک نمود که بتوانیم مؤلفه های اثر گذار بر کیفیت زندگی در فضاها و محیط های شهری را به صورت زیر جمع بندی نماییم:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۲) شاخص ها و مؤلفه های کیفیت زندگی، (نگارنده)

### ۳- پایداری

#### ۳-۱- توسعه پایدار و کیفیت زندگی

توسعه پایدار، مفهومی است که در آن تأمین مستمر نیازها و رضایتمندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان مدنظر قرار می-گیرد (الیوت، ۱۳۷۸، ۳). کیفیت زندگی انسان ارتباط مستقیمی با کیفیت محیط سکونت و زیست او دارد، لذا مسائلی از جمله بحران محیط زیست، انرژی، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، ترافیک بخشی از عواملی هستند که می توانند کیفیت زندگی انسان را دستخوش تغییر و دگرگونی قرار دهند و در این شرایط در راستای افزایش و بهبود کیفیت زندگی انسان توجه به مقوله توسعه پایدار مطرح می شود. اگر بخواهیم جامعه کیفیت زندگی شهروندان را در حال و آینده بهتر کنیم فقط باید آن را در چهارچوب پایداری قرار دهیم (Uzell, 2004:3). بنابراین، نمی توان رابطه محکم کیفیت زندگی و پایداری را انکار کرد (Fahy & Cinneide, 2008, Uzell, 2004). یکی از ابعاد مهم توسعه پایدار، پایداری اجتماعی است که به دلیل ماهیت خود کمتر مورد توجه محققان قرار گرفته است. بلینگ<sup>□□</sup> توسعه پایدار اجتماعی را بدین شکل تعریف می کند: تغییر، رشد یا تکامل سیستم های اجتماعی در جهت افزایش کیفیت زندگی همه اعضای جامعه با در نظر گرفتن استعدادها و ظرفیت جامعه (Belkinge, 2008, 5). جانسون<sup>□</sup> توسعه اجتماعی را اساساً به معنای تقویت کیفیت زندگی جامعه مدنی و افزایش ارزش های اجتماعی و فرهنگی می داند (Johnston, 1993, 3). پایداری اجتماعی با مفهوم کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی همراه است و با مولفه هایی چون قابلیت دسترسی به خدمات بهداشتی، آموزشی، مسکن، امنیت، درآمد و میزان محرومیت سنجیده می شود (شکویی، کاظمی محمدی، ۱۳۸۱، ۳۲). بنابراین بطور کلی می توان گفت که پایداری اجتماعی که با شاخص اصلی آن یعنی کیفیت زندگی مورد سنجش و ارزیابی قرار می گیرد، عبارت است از تأمین

شرایط بهتر زندگی که در آن توازن، هماهنگی، مطلوبیت و برابری عادلانه یا زمینه‌های لازم برای زندگی همراه با سلامت، امنیت، آسایش، آرامش، نشاط، خلاقیت و زیبایی پدید می‌آید (دهداری، ۱۳۸۱، ۴۰)

### ۲-۳- پایداری اجتماعی در معماری

در توسعه پایدار، معماری و شهرسازی به عنوان محیط و بستر زندگی بشری از جایگاه مهمی برخوردار می‌باشد. از این رو طراحی پایدار نوعی دخل و تصرف در محیط است که تلاش می‌نماید راه حل‌هایی ابداع نماید که بتواند در نگاه کلی نگر به تعادلی دست یابد که بتواند کیفیت برتری برای زندگی نسل کنونی و میراث مناسبی را جهت آیندگان فراهم نماید (احمدی، ۱۳۸۲: ۹۴). از آن جا که پایداری اجتماعی به پایداری و بهبود رفاه نسل‌های فعلی و آینده باز می‌گردد، پروژه‌ای از پایداری اجتماعی برخوردار است که محیط زندگی هماهنگ و هارمونیک ایجاد کند، نابرابری‌ها و شکاف‌های اجتماعی را کاهش دهد و به طور کلی کیفیت زندگی را افزایش دهد (Chan, 2008: 248). پایداری اجتماعی در مقیاس معماری، فضا را مورد بحث قرار می‌دهد و با بررسی نیازها و رفتارهای انسان به گونه‌ای طراحی را جهت می‌دهد تا ارتباط انسان و محیط مصنوع برای مدت طولانی برقرار باشد. اساس پایداری اجتماعی فضا بر تعامل میان فضا و جامعه است و پایداری اجتماعی بیشتر بر افزایش کیفیت زندگی تمرکز می‌کند و برای نیل به پایداری اجتماعی در یک فضا سه اصل ضروری است:

- پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان

- ارتقاء کیفیت زیست انسانی از طریق شناخت نیازهای عالی و غیر مادی انسان

- هم‌خوانی الگوهای رفتاری با کالبد ساختمان.

پایداری اجتماعی در بافت‌ها و محلات مسکونی، وضعیتی است که ساکنان از زندگی در محیط کالبدی و بافت خود رضایت داشته باشند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت برند. در این وضعیت، مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر شده و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می‌یابند. بنابراین ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن بوده، در نگه‌داری و بهبود وضعیت موجود مشارکت و هماهنگی خواهند داشت (رئیس، ۱۳۸۶).

### ۳-۳- اصول و معیارهای پایداری در محلات مسکونی

بحث‌های توسعه پایدار را می‌توان در سطوح و فعالیت‌های مختلف مطرح کرد، که شامل مقیاس‌های بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای، محله‌ای، واحدهای همسایگی، سایت و مقیاس معماری است. در مقایسه با تعاریف و مفاهیم بسیاری که از توسعه پایدار در سطوح مختلف مطرح شده است، می‌توان گفت که مفهوم توسعه پایدار در مقیاس محله و بافت، هنوز به قطعیت روشن نشده است و ابعاد آن به ویژه داخل کشور مورد بررسی و تجزیه و تحلیل‌های جدی قرار نگرفته است (عزیزی، ۱۳۸۵). این در حالی است که محله‌ها و بافت‌های مسکونی، مکان‌ها و محدوده‌هایی هستند که ابعاد مسائل در آن‌ها کاملاً محسوس است (نوریان، عبدالهی ثابت، ۱۳۸۷).

توسعه پایدار در مقیاس محله و بافت، به معنای ارتقاء کیفیت زندگی در آن، شامل همه ویژگی‌ها و اجزای زیست محیطی، فرهنگی، سیاسی، اداری، اجتماعی و اقتصادی بدون ایجاد مانعی برای نسل آینده می‌باشد (زرآبادی، خزاعی، ۱۳۸۶: ۴۵). لذا توجه به اصول و معیارهای توسعه محله‌ای پایدار به منظور ارتقاء کیفیت زندگی ساکنان آن‌ها، حائز اهمیت است. بنابراین می‌توان در قالب نظریه‌ها و تجربیات موجود در مقیاس جهانی، اصول و معیارهای بسیاری را برای توسعه پایدار در مقیاس محله و بافت‌های مسکونی، مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. جدول (۴)، شاخص‌ها و زیر معیارهای پایداری در مقیاس محله و بافت مسکونی را در ربط با مؤلفه‌های اساسی پایداری نشان می‌دهد.



جدول (۴) ماتریس تطبیقی مؤلفه های پایداری در بافت های سکونت، (نگارنده)

مؤلفه های پایداری در بافت های مسکونی	تحقیق
رعایت سلسله مراتب فضاها از خصوصی تا عمومی، هویت کالبدی و فرهنگی و فعالیتی، وجود نشانه های شهری متمایز کننده بافت از سایر محلات و بافت ها، وجود فضاهای تعامل اجتماعی، امکان مشارکت فعالانه، امکان نظارت مستمر ساکنان	(حبیبی، ۱۳۸۰)
انرژی و کیفیت هوا، مواد و ضایعات، زمین و فضای سبز و تنوع زیستی، حمل و نقل، زیست پذیر بودن سکونتگاه ها	(طیبیان، ۱۳۸۶)
ایمنی، امنیت، حفاظت، تداوم بصری و کالبدی، کاهش آلودگی، کاهش سرو صدا، قابلیت ایجاد تعاملات اجتماعی، حس تعلق به مکان، ایجاد تصاویر ذهنی مناسب با محیط و بافت، خود کنترلی ارگانیک	(مامفورد، ۱۹۸۴)
دسترسی به خدمات و تجهیزات، دسترسی به محل کار، کیفیت مسکن، شبکه های ارتباطی و معابر، هویت در سیما، تداوم بصری، کالبدی و عملکردی در سیمای بافت، ارتفاع بناها متناسب با پیرامون، ارتباط مناسب حجم توده با پیرامون، تداوم کیفیت منظر، هم خوانی رنگ و مصالح و سبک معماری بناهای موجود در بافت	(حاجی پور، ۱۳۸۵)
کیفیت های ادراکی و ذهنی، کیفیت اکولوژیک، کیفیت های رفتاری، ارتباط زمینه و متن، خط آسمان، پایداری انرژی	(ذکاو، ۱۳۸۱)
سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی، عدالت، انعطاف پذیری، تطبیق پذیری، قابلیت دسترسی، متنوع بودن، غیر متمرکز بودن، تجربه پذیر	(شکوهی، ۱۳۸۶)
هویت، تنوع، دسترسی به خدمات، ظرفیت قابل تحمل محله و بافت	(لینچ، ۱۳۷۶)
هویت، سرزندگی، تعلق خاطر، امنیت، دسترسی به خدمات محله ای و حمل و نقل عمومی، فضای سبز، تراکم متناسب جمعیتی-ساختمانی-فعالیتی	(عزیزی، ۱۳۸۵)
هویت، سرزندگی، فضاها و خدمات محله ای، تنوع، دسترسی، امنیت	(نوریان، عبدالهی ثابت، ۱۳۸۷)
ارتفاع کم ساختمانها، کاربریهای مختلط، پیاده مداری، حس به مکان، نگهداری از بناهای تاریخی و ارزشمند، استفاده از منابع انرژی محلی، معیار ایمن و صمیمی، طراحی با اقلیم و طبیعت، استفاده از زمین یا ساختمان های متروکه، تنوع در نوع مسکن	(بزی، ۱۳۹۱)
دسترسی به مراکز آموزشی به صورت پیاده، خیابان های متصل و مرتبط، وجود خیابان های باریک و منطبق با محیط به جهت ترغیب پیاده مداری، محل بازی در اطراف سکونتگاه، تنوع در کاربری ها،	(فرکیش و همکاران، ۱۳۹۲)
	(دوانی، ۱۹۹۱)

#### ۴- تدوین اصول و معیارهای طراحی پایدار در چارچوب شاخص های ارتقاء کیفیت زندگی

در این بخش از نوشتار، در چارچوب مؤلفه های ارتقاء کیفیت زندگی، به تدوین اصول طراحی پایدار در بافت های مسکونی می پردازیم. رسیدن به بافت و محله سالم و سطح مطلوب کیفیت در آن نیازمند ایجاد تعادل در توزیع و ایجاد موازنه بین فضاهای کالبدی و جریان اجتماعی و ایجاد فرصت برابر دسترسی مناسب به امکانات محدود بافت است. محله و بافت سکونت پایدار درصدد متناسب ساختن ساختار کالبدی با نیازهای امروزی ساکنان و رویکردی دوباره به بارزه های اجتماعی گذشته است. هدف دستیابی به بافت و محله ای است که در هم پیوندی نزدیک خصائل اجتماعی و کالبدی شکل می گیرد و زمینه ساز تعاملات بالای اجتماعی است و حس تعلق به مکان را در خود مستتر دارد. بافتی که پیوستگی کالبدی در آن با احداث فضاهایی پاسخگو که تناسبات، مقیاس انسانی، سلسله مراتب فضایی و دسترسی، تنوع، عابر مداری، تأکید بر اولویت حرکت پیاده و تلفیق با طبیعت را به همراه دارد. هر یک از عوامل ذکر شده در بالا به نوعی در مؤلفه های کیفیت زندگی مستتر بوده و رعایت آن می تواند منجر به بهبود کیفیت زندگی در نواحی سکونت شود. بنابراین در این پژوهش، پرداختن به موضوع پایداری در محلات و بافت های مسکونی با توجه به مؤلفه های کیفیت زندگی در شکل (۲) در پنج دسته کلی خلاصه می شود:

۱. بررسی ویژگی های عملکردی
۲. بررسی ویژگی های محیط کالبدی (عینی)
۳. بررسی ویژگی های مفهومی و رفتاری در محیط
۴. بررسی فعالیت ها و ویژگی های اجتماعی و اقتصادی در بافت و محله
۵. بررسی ویژگی های زیست محیطی و اکولوژیکی محیط

با توجه به آنچه که بیان شد، می توان گفت، بافتی از کیفیت و مطلوبیت و پایداری لازم برخوردار است که موارد ذکر شده در بالا را در قالب مفاهیم پایداری، مدنظر قرار داده و سعی در برآوردن زمینه های فوق نماید. بر این اساس مدل نهایی تحقیق، با درنظر گرفتن شاخص های «عملکردی»، «زیباشناختی»، «زیست محیطی»، «اجتماعی» و «اقتصادی» در قالب جدول (۵) قابل ارائه می باشد. چنانچه معماری و طراحی شهری بتواند این موارد یا دست کم بخشی از این موارد را در طراحی و خلق فضاهای کالبدی بافت و محله به کار گیرد، یک معماری اجتماع مدار بوده و به ارتقاء کیفیت زندگی و پایداری در بافت کمک مؤثری خواهد نمود.

جدول (۵) مؤلفه های طراحی بافت مسکونی پایدار در چارچوب شاخص های کیفیت زندگی، (نگارنده)

مؤلفه های پایداری	شاخص ها و مؤلفه های کیفیت زندگی		
قابلیت دسترسی، ایمنی، راحتی دسترسی	دسترسی	استفاده ها و فعالیت ها	شاخص های عملکردی
تنوع در فعالیت ها، تنوع عملکردی، کاربری مختلط، تنوع در مسکن	گوناگونی و تنوع		
ترکیب و اختلاط کاربریهای سازگار در سطح بافت، طراحی انواع مراکز فرهنگی، آموزشی، خدماتی و ... بناهای عمومی در بافت	امکانات عمومی	امکانات و خدمات	شاخص های زیباشناختی
ظرفیت توسعه محله، ظرفیت دسترسی محله، ظرفیت منابع، خصوصیات مکان	ظرفیت قابل تحمل محله		
دانه بندی، تمرکز، مقیاس، گوناگونی، پویایی و سازگاری، نفوذپذیری، تنوع، انعطاف پذیری	کیفیت فرم و بافت	مؤلفه های عینی محیط	شاخص های زیباشناختی
دسترسی سواره، دسترسی پیاده، شبکه فضاهای باز	کیفیت دسترسی		
تراکم، تنوع، ساخت و ساز معماری، همگنی و همجواری	کیفیت مسکن		
وجود فضای سبز، تناسب، تداوم بصری و کالبدی، نشانه ها، کیفیت منظر و خیابان	کیفیت زیباشناختی		
شخصیت قوی محله و بافت	اصالت	مؤلفه های ذهنی محیط	شاخص های زیباشناختی
وضوح در درک از بافت، معنی، حس به مکان، قابل تمایز بودن، خوانایی	هویت		
وجود فضاهای عمومی مناسب، سرزندگی فعالیت ها، ترافیک آرام، جذابیت، احساس امنیت، احساس سرزندگی	سرزندگی آسایش و راحتی		
آسایش اقلیمی، پایداری زیست محیطی، کیفیت سر و صدا، طراحی با اقلیم و طبیعت، کیفیت منظر و محیط طبیعی، کیفیت پاکیزگی، اصوات، بو و رایحه، کارایی	شاخص های زیست محیطی		
شاخص های جمعیتی، حقوق شهروندی، رویدادهای فرهنگی - تاریخی و آموزشی واحدهای همسایگی و محله ها، مراودات و حیات اجتماعی، فضای اجتماعی	شاخص های اجتماعی		
نیازهای اقتصادی، اقتصاد فعال پایدار، پایداری اقتصادی، هزینه ها	شاخص های اقتصادی		

## ۵- نتیجه گیری

به دنبال تغییر در شرایط و عوامل مؤثر بر گسترش و توسعه شهری در دوران اخیر، محله ها و بافت های مسکونی انسان ساخت جایگاه ویژه ای در شکل گیری شهرها داشته اند. در حالی که توسعه شهری پایدار بخش عمده ای از ادبیات شهرسازی سال های اخیر را به خود اختصاص داده است، پرداختن به اصول و معیارهای توسعه محله ای پایدار هنوز نیازمند تحقیق و پژوهش فراوان است. یکی از رویکردهایی که در زمینه اصلاح و تکامل مفهوم توسعه و پایداری در بافت های مسکونی به وجود آمده، رویکرد ارتقاء کیفیت زندگی است. این رویکرد، معتقد است که معماری و طراحی، علاوه بر توجه به اهداف کالبدی و کارکردی، می باید به نیازهای کیفی و روانی مردم در محیط زندگی مانند هویت اجتماعی، امنیت و رفاه اجتماعی، اشتغال پایدار، آسایش روانی، احساس زیبایی، همبستگی و تعلق اجتماعی و ... نیز پاسخ گوید. بنابراین با توجه به آن چه که در این پژوهش ذکر گردید، میتوان گفت، آن چه که منجر به خلق یک محله پایدار با کیفیات زندگی مطلوب می شود؛ شامل، شاخصهای عملکردی، زیباشناختی، اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی می باشد و دستیابی به مقصود فوق از طریق معیارها و زیرمعیارهای ارائه شده در جدول (۵)، قابل تبیین است.

در انتها پیشنهادهایی، به عنوان اصول طراحی بافت های مسکونی پایدار به منظور ارتقاء کیفیت زندگی ارائه شده است:

۱. افزایش شبکه حمل و نقل عمومی منظم و مدرن در جهت دسترسی مناسب و آسان شهروندان به خدمات شهری و مرکز شهر، کاهش ترافیک و آلودگی هوای شهر و در نهایت، افزایش سنجه های پایداری شهری.
۲. بهبود روابط اجتماعی با ایجاد فضاهای جمعی و گذران اوقات فراغت به خصوص در بافت های مسکونی.
۳. افزایش سرانه فضای سبز و مراکز تفریحی و ورزشی در بافت های مختلف شهر تا همه شهروندان به نسبت مناسب از این کاربری ها بهره مند گردند.
۴. تغییر کاربری ها در سطح بافت و به ویژه در مرکز محلات مسکونی؛ به نحوی که ساکنان محله بتوانند مایحتاج روزانه خود را در داخل بافت تأمین کنند و از امکانات رفاهی معمول برخوردار باشند.
۵. ترکیب و اختلاط کاربری های سازگار در سطح بافت و محله
۶. حمایت از حمل و نقل عمومی و تقویت اتصال ها و مجاورت های آن با مناطق مسکونی
۷. افزایش میزان سازگاری فرم با عملکرد (سازگاری فرم با اهمیت، نوع و تراکم فعالیت و...)
۸. افزایش میزان سازگاری فضا و فعالیت و کیفیت مناسب فضا
۹. افزایش ایمنی دسترسی (شیب مناسب راه، تداوم مسیر پیاده، عرض مناسب مسیر و ...)
۱۰. ایجاد تعادل بین کاربری های تفریحی، ورزشی و فضای سبز با کاربری های مسکونی
۱۱. وجود خیابان های باریک و منطبق با محیط به جهت ترغیب پیاده مداری

## منابع

۱. احمدی، فرهاد، (۱۳۸۳)، «معماری پایدار»، فصلنامه آبادی، شماره ۴۰ و ۴۱، ص ۹۴.
۲. البیوت، جنیفر.آ. مترجم: عبدالرضارکن الدین افتخاری، و حسین رحیمی، (۱۳۷۸)، «مقدمه ای بر توسعه پایدار در کشورهای در حال توسعه»، تهران، مؤسسه توسعه روستایی ایران.
۳. پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۵)، «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری»، وزارت مسکن و شهرسازی، چاپ اول.
۴. حبیبی، سیدمحسن، (۱۳۸۰)، «چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان بندی محله»، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، شماره ۱۳، صص ۳۲-۳۹.
۵. دهقان زاد، شیماء، (۱۳۹۲)، «بازشناسی مؤلفه های کالبدی محله پایدار؛ نمونه مورد بررسی؛ محله باغملی شهرضا»، اولین کنفرانس ملی بنای ماندگار، مشهد.
۶. راد جهانیانی، نفیسه، پرتوی، پروین، (۱۳۹۰)، «بررسی تطبیقی کیفیت محیط در محله های شهری با رویکرد توسعه پایدار؛ مورد پژوهی: محله های خیابان و ایلگلی تبریز»، دو فصلنامه معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، شماره ۶، صص ۳۱-۲۶.
۷. رضوانی، محمدرضا، متکان، علی اکبر، منصوریان، حسین، ستاری، محمدحسین، (۱۳۸۸)، «توسعه و سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)»، مجله مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال اول، شماره دوم.
۸. رفیعیان، مجتبی و همکاران، (۱۳۸۹)، «سنجش کیفیت محیط سکونت در شهرک اکباتان تهران»، مجله مدرس علوم انسانی-برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره چهارم.
۹. رئیسی، ایمان و حبیبی، ابوالفضل، (۱۳۸۶)، «نوشتاری بر پایداری اجتماعی در مسکن»، فصلنامه آبادی، شماره ۵۵.
۱۰. سعده زرآبادی، زهرا سادات، خزاعی، فاطمه، (۱۳۸۶)، «از پایداری محله تا محله پایدار»، ماهنامه ساختمان و کامپیوتر، سال سوم، شماره ۱۸، صص ۴۵-۴۳.
۱۱. شکویی، حسین، کاظمی محمدی، (۱۳۸۱)، «سنجش پایداری اجتماعی توسعه شهر قم»، نشریه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۴۳.
۱۲. عباس زادگان، مصطفی، روستا، مریم، «ارتقاء کیفیت فضاهای شهری در فرآیند بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده نمونه موردی: محله صابونپزخانه تهران»، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری، مشهد مقدس، ۲۰ و ۲۱ آذر ماه ۱۳۸۸.
۱۳. عزیززی، محمدمهدی، (۱۳۸۵)، «محله مسکونی پایدار: بررسی تطبیقی محلات قدیم و جدید شهر تهران»، طرح پژوهشی ارائه شده در قطب علمی توسعه شهری پایدار، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۱۴. فتحعلیان، معصومه، پرتوی، پروین، (۱۳۹۰)، «مطالعه تطبیقی کیفیت زندگی در بافت های خودرو و برنامه ریزی شده اسلامشهر (مورد پژوهی قائمیه و واوان)»، نشریه مطالعات تطبیقی هنر (دو فصلنامه علمی پژوهشی)، شماره اول، صص ۱۰۸-۹۱.
۱۵. کج کوب، مریم، (۱۳۹۰)، «مرکز مدیا در شهر قزوین با رویکرد دستیابی به پایداری اجتماعی در شهر و فضاهای عمومی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
۱۶. کوبکی، افشین، پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی اکبر، (۱۳۸۴)، «برنامه ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص ها»، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۲.
۱۷. گلکار، کوروش، (۱۳۷۹)، «مؤلفه های سازنده کیفیت طراحی شهری»، نشریه صفا، شماره ۳۲، صص ۶۵-۳۸.
۱۸. نجات، سحرناز، (۱۳۸۷)، «کیفیت زندگی و اندازه گیری آن»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، دوره چهارم، شماره دوم، صص ۶۲-۵۷.
۱۹. نوریان، فرشاد و عبدالمهدی، (۱۳۸۷)، «تبیین معیارها و شاخص های پایداری در محله مسکونی»، نشریه شهرنگار، شماره ۵۰، صص ۶۳-۴۹.
۲۰. لطفی، صدیقه، (۱۳۸۸)، «مفهوم کیفیت زندگی شهری، تعاریف، ابعاد و سنجش آن در برنامه ریزی شهری»، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی، سال اول، شماره چهارم.
21. Belkinge, uni. (2008). Exploring the social dimension of sustainable development, Sweden.
22. Chan, Edwin, grace k.l.lee. (2008). critica factors for improving social sustaninability of urban renewar porjects, social indicators research, volume 85, number 2.

23. Collados, C. and Duane, T., (1999). Analysis Natural Capital Quality of Life: A Model for Evaluating the Sustainability of Alternative Regional Development Paths, *Ecological* 30 (1999) 441-460.
24. Costanza, R. (2007). Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs, and subjective well-being, *Ecological Economics*, 61(2-3).
25. Duany, A ;Plater-Zyberk,E; Kreiger.,(1991). A and Lennertz. W,Towns and town-making principles , Cambridge, Mass. Harvard University Graduate School of Design ; New York : Rizzoli.
26. Fahy,F, Cinnéide.M. (2008). Developing and testing an operational framework for assessing quality of life, *Environmental Impact Assessment Review* 28. pp 366° 379.
27. Farkisch,H., (2012). Development the sense of place for residents via affordance of neighborhood center and its Regeneration: case study boshrooyeh city. Faculty of engineering and built enviroment ,National University of Malaysia.
28. Fasli. Mukaddes, Sahin Nil Pasaoglulari, Vehbi. Beser Oktay., (2007). An assessment of quality of life residential environments: Case of selimiye quarter in walled city of Nicosia, north Cyprus,faculty of architecture, architecture, eastern Mediterranean university, famagusta, north cyprus.
29. Foo, T.S.,(2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998), *Habitat International*, 24(1).
30. Johnston, Michael, (1993). social development as an anticorruption strategy, international anticorruption conference, cancun, quintana roo, mexico.
31. Oxford Advanced Learner s Dictionary, (2007). Oxford University Press.
32. RIVM, (2000). De Hollander A.E.M., et al. "5e Nationale Milieu Verkenningen. RIVM., National Outlook, Summary in English, ISBN: Check.
33. Santos, L.D., Martins, I., (2007). Monitoring Urban Quality of Life: The Porto Experience. *Social Indicators Research*, 80: 411° 425.
34. Uzell., (2004) .Environment and quality of life, *Revue européenne de psychologie appliquée* 56, pp 1-4.
35. Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., Hollander, A.D.,(2003). Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Frameword and Demarcation of Concepts; a Literatute Study, *Landscape Urban Planning* 65, 5-18

